

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

## میلااد حضرت علی اکبر علیه السلام (۱)

خداوند عنایت کرده، این هفته جلسه‌ی ما با مناسبت بسیار ارزشمندی مقارن است. ماه شعبان ماه بسیار عجیبی است؛ ماه شادی اهل بیت علیهم السلام است و در تاریخ اسلام، ظاهراً حادثه‌ی غمباری در این ماه گزارش نشده است. این ماه مجموعه‌ی اعیاد است. امروز هم به یمن الهی، سالروز میلااد حضرت علی اکبر علیه السلام، فرزند رشید اباعبدالله الحسین علیه السلام است. عید خجسته‌ای است و حضرت علی اکبر علیه السلام شخصیت بسیار والایی هستند. در یکی از زیارت‌های ایشان، نزدیک به تصریح، بحث عصمتشان مطرح است. به آن حضرت عرض می‌کنیم: خدا شما را قرار داد؛ «مَنْ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً»<sup>۱</sup>. شخصیت بسیار عظیم‌القدری هستند و به تعبیر اباعبدالله الحسین علیه السلام در همان روز عاشورا، وقتی خواستند حضرت علی اکبر علیه السلام را به میدان بفرستند؛ درحالی که محاسن شریفشان را به دست گرفته و رو به آسمان در حال نیایش

<sup>۱</sup>. مجلسی، بحار، ج ۹۸، ص ۳۳۸ و شهید اول، محمد بن مکی، المزار، ص ۱۴۶ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین در اول رجب و نیمه - ی آن و نیمه ی شعبان.

و و راز و نیاز با خدا بودند؛ به خدا عرض کردند: پروردگارا! تو می‌دانی اکنون ما کسی را به میدان می‌فرستیم، که «أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مُنْطَقًا بِرَسُولِكَ»<sup>۲</sup> شبیه‌ترین اشخاص به پیغمبر اکرم ﷺ هم در خلقت، سیما و هیكل ظاهری و هم در خُلق بود. این عبارت خیلی عجیب است! پیغمبر اکرم ﷺ همان کسی هستند که قرآن کریم در شأن ایشان فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»<sup>۳</sup> و امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام شهادت می‌دهند که علی اکبر عَلَيْهِ السَّلَام، «أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ»<sup>۴</sup> شبیه‌ترین مردم به رسول الله ﷺ از نظر اخلاق، خوی و منش، «وَ مُنْطَقًا» و در سخن گفتن و یا در استدلال و منطق (به هر دو تعبیر خود، چه در سخن مستحکم گفتن و چه در سخنوری) شبیه‌ترین شخص به رسول خدا ﷺ است. او کسی است که وقتی ما مشتاق پیغمبر ﷺ می‌شدیم، به جمال او نگاه می‌کردیم و گویا دیدار او دیدار پیامبر ﷺ بود.

میلاد چنین فرزند رشیدی است. عظمت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام هم در این بود که وقتی در رفتن به میدان نوبت به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام رسید؛ اندکی درنگ نکردند. در بحث‌های عاشورا که یکی دو سال پیش با هم داشتیم، عرض کرده‌ام که شب عاشورا بین اهل بیت و اصحاب عَلَيْهِمُ السَّلَام رقابت بود؛ که کدام یک اول به میدان بروند و بالاخره اصحاب گوی سبقت را ربودند. گفتند نه؛ تا یکی از ما زنده باشد، به هیچ‌یک از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام اجازه نمی‌دهیم به میدان بروند. وقتی موافقت

<sup>۲</sup>. سید بن طاووس، لهوف، ص ۱۱۳ و مجلسی، بحار، ج ۴۵، ص ۴۳ و ابن‌نماحلی، مفیر الاحزان، ص ۶۸.

<sup>۳</sup>. سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۴.

<sup>۴</sup>. محدث قمی، سفینة البحار، ج ۴، ص ۳۷۷.

اباعبدالله علیه السلام را برای این قضیه جلب کردند؛ روز عاشورا اول اصحاب به میدان رفتند و یکی یکی به شهادت رسیدند. در یورش اول، تعدادی با هم به شهادت رسیدند و سپس وقتی جنگ تن-به-تن شروع شد، یکی یکی به شهادت رسیدند. البته جنگ تن-به-تن نبود. وقتی یک تن از اصحاب اباعبدالله علیه السلام به میدان می‌رفت؛ خدا می‌داند چه تعدادی ناجوانمردانه در برابر او به میدان می‌آمدند! پس از اینکه اصحاب به شهادت رسیدند و نوبت اهل بیت علیهم السلام شد؛ اباعبدالله الحسین علیه السلام محبوبترین آنان در نزد خود، یعنی علی اکبر علیه السلام را فرستادند. اباعبدالله الحسین علیه السلام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، برادر بزرگوار و رشیدشان و زینب کبری علیها السلام، خواهر بزرگوارشان را هم خیلی دوست می‌داشتند؛ اما خدا می‌داند عشق، علاقه و ارادت اباعبدالله الحسین علیه السلام به این جوان چیست! آن وقت اولین کسی که از اهل بیت علیهم السلام، به میدان رفت؛ علی اکبر علیه السلام بودند. وقتی حضرت خدمت پدر آمدند که اذن به میدان رفتن بگیرند؛ برخلاف مواردی که اباعبدالله الحسین علیه السلام راجع به بقیه‌ی اصحاب و حتی بقیه‌ی اهل بیت علیهم السلام عمل می‌کردند؛ که معمولاً این دست و آن دست می‌کردند و سعی می‌کردند مدتی طرف را نگه دارند؛ در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام اندکی درنگ نکردند. به خاطر دارید هنگامی که حُرّ پس از بازگشتش به لشکر اباعبدالله علیه السلام، نزد حضرت آمد و حضرت پذیرای او شدند؛ خواست اجازه بگیرد که به میدان برود؛ گفت اذن دهید من به میدان بروم. حضرت فرمودند: نه؛ تو میهمان ما هستی. اندکی با ما بنشین؛ یعنی حضرت بلافاصله اذن ندادند. حتی در مورد بسیاری از اهل بیت علیهم السلام هم این گونه بودند؛ چه اصحاب و چه اهل بیت علیهم السلام. وقتی چون آمد؛ حضرت گفتند: تو لازم نیست به میدان بروی. من تو را آزاد کرده‌ام؛ راحت باش. دیگران؛ دیگران! حضرت اباعبدالله علیه السلام در مورد هر یک

از اصحاب و اهل بیت علیهم السلام معمولاً کمی این دست و آن دست می‌کردند (اینکه حکمت آن چیست، بماند)؛ ولی در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام، زمان که خدمت پدر آمدند؛ پدر اندکی درنگ نکردند. تا حضرت آمدند و اذن خواستند؛ حضرت اباعبدالله علیه السلام هم اذن دادند؛ منتهی وقتی حضرت علی اکبر علیه السلام می‌روند، دل اباعبدالله علیه السلام هم با ایشان است.

می‌لاد این بزرگوار را که یکی از اعیاد بزرگ ماه شعبان است؛ تبریک می‌گوییم. امیدواریم شعاعی از رشادت، جوانمردی، کمال، خُلق و بزرگواری حضرت، به وجود همه‌ی دوستان اهل-بیت علیهم السلام بتابد و در مسیر کمال، با عشقی که به علی اکبر علیه السلام پیدا می‌کنند، دستگیر و راهبر آنها باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ